



## چند پرسش دربارهٔ مسند

### حضرت عبدالعظیم (ع)

◀ مهدی حسینیان قمی

بی شک، احادیث اهل بیت (ع) پس از قرآن، عالی ترین منابع علمی، فقهی، اخلاقی و ... ماست. و این منابع، نیاز شدید به بازشناسی، سندپایی، ابهام زدایی، مشکل شناسی، تعارض فهمی، پیام رسانی و ... دارد. این همه، با تلاش جمعی و تعاون فرهنگی و هم فکری گروهی و نقد و بررسی عالمانه و موشکافانه به دست می آید.

«گاوِشهای حدیثی» در پی آن است که با دستیابی به مشارکت فرهنگی شما به فهمهای والا و بلندی در حوزه روایات برسد و جانهای عطشناک را از زلال

سرشارِ همتای وحی سیراب سازد. گفتنی است که «دفاع از حدیث» و «گاوِشهای حدیثی» در مقابله با شیوهٔ نفی سریع و با شتاب احادیث شکل گرفته است.

احساس ما این است که بسیاری به جای کوشیدن در جهت اثبات اعتبار روایات و یافتن راههای اعتباردهی به روایات و نیز به جای تلاش برای فهم درست روایات به نفی سریع و پرشتاب روایات روی آورده اند.

اینان با نفی اعتبار روایات و برجسب جعل، وضع و تحریف زدن به مفاد



اقبال سید بن طاووس آمده است. در ابتدای این حدیث آمده است: «فی حدیث».

این تعبیر گویای آن است که این روایت، صدوری داشته است. دستیابی به صدر این حدیث و تکمیل آن مطلوب ماست.

۲. در حدیث کبایر در قرآن (حدیث ۲۵ مسند) دو مورد ابهام و سؤال وجود دارد:

الف. در همه منابع آمده است: «... و ترك الصلاة متعمداً او شيئاً مما فرض الله...»، نصب «شیئاً» بر چه پایه ای قابل توجیه است.

گفتنی است تقدیر گرفتن و قانون مجاورت، راهی است برای توجیه، ولی گذشته از این دو، راههای دیگر را ذکر کنید.

ب. در همین فراز از روایت کبایر در قرآن، استدلال به گفتار رسول گرامی اسلام شده است: قال: من ترك الصلاة متعمداً فقد براء من ذمة الله و ذمة رسول الله (ص).

با توجه به اینکه منظور پرسشگر آشنایی با کبائر در قرآن است و امام صادق (ع) هم در همین زمینه، کبایر را

روایات، از روایات دست می شویند و از این میراث بزرگ و گرانسنگ به راحتی روی گردان می شوند.

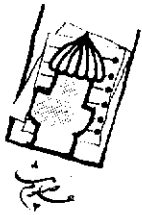
«کاوشهای حدیثی» در این شماره با کاوشی درباره مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) آغاز می گردد.

یک. مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در ارتباط با مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نکاتی وجود دارد که طرح آن در این شماره و استمداد از حدیث شناسان در این زمینه شایسته است.

طرح ابهامات و اشکالات احادیث، با پاسخهای راهگشای حدیث پژوهان در بخش «کاوشهای حدیثی» فصلنامه علوم حدیث، تلاشی است در جهت ابهام زدایی از روایات و گسترش مفاهیم تابناک این میراث بزرگ.

در این شماره، به مناسبت برگزاری کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و تدوین مسند آن حضرت، موارد زیر مورد کاوش ماست.

۱. حدیث نود و هشتم مسند، روایتی است از امام جواد (ع) که در



آیا حدیث، همین حقیقت را می گوید یا منظور دیگری دارد؟ توجیه و تحلیل حدیث چگونه است؟

۵. در حدیث یکم مسند، درباره دزد و کسی که برای شکار لئوی بیرون می رود، آمده است: این دو نفر در حال اضطرار، حق خوردن مردار را ندارند. مردار - همان گونه که در حال اختیار بر این دو حرام است - در حال اضطرار نیز حرام خواهد بود. ر.ك: «... لیس لهما ان یاکلا المیتة إذا اضطراً هی حرام علیها فی حال الاضطرار کما هی حرام علیها فی حال الاختیار...».

آیت الله بروجردی - قدس سره - در این مورد در البدر الزاهر، ص ۲۹۷ گفته است: «و لکن العمل بمضمون الروایة مشکل، فإن حفظ النفس من أهم الواجبات، فكیف یمکن لفقیه یتلزم بحرمة اكل المیتة لمثل الصائد، إذا توقّف حفظ نفسه علی اكلها؟»

عمل به مفاد این روایت، مشکل است؛ چرا که حفظ جان از مهم ترین واجبات است.

بنابراین، چگونه فقیه می تواند

از قرآن برمی شمرد، چگونه این فراز توجیه می شود؟

امام (ع)، در این فراز، ترك نماز و یا ترك فریضه ای از فرایض الهی را از کبایر معرفی می کند و در مقام استدلال، گفتار رسول خدا را مستند خویش قرار می دهد، نه آیه قرآن را.

آیا بپذیریم که این گناه کبیره از قرآن به دست نمی آید و تنها بر پایه گفتار رسول خداست یا توجیهی دیگر دارد؟ توجیه دیگر را یادآور شوید.

۳. توجیه و تحلیل حدیث سی و هشتم مسند چیست؟

مگر همه چیز با قضا و قدر الهی نیست؟ چگونه است که به گفته این روایت، تنها این هشت چیز با قضا و قدر الهی است؟

۴. در حدیث یازده مسند، امام (ع)، در تفسیر آیه «و اوحی الی هذا القرآن، لأنذرکم به و من بلغ امام (ع) گویا «من بلغ» را عطف به ضمیر «کم» نمی گیرد، بلکه «من بلغ» را عطف به ضمیر «انما» در آنذر می داند. چگونه این عطف قابل

توجیه است؟



خوردن مردار را برای فردی چون صیاد، در صورتی که حفظ جاننش وابسته به خوردن مردار است، حرام بدانند.

سؤال ما این است که این جمله چگونه توجیه و تحلیل می‌شود؟ آیا معنای اینکه حرام است، آن است که عقاب دارد، ولی باید مردار را بخورد تا زنده بماند، یا توجیه و تحلیل دیگری دارد؟

۶. در تعدادی از روایات مسند، آیاتی از قرآن، برخلاف آنچه در قرآن موجود است، آمده است. مثلاً در حدیث پنجم درباره آیه «قل اعملوا فیسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون» آمده است: المؤمنون نیست، بلکه المأمونون است.

آیا با توجه به اختلاف قرائت در قرآن، می‌توان این موارد را حل کرد، چگونه؟ و یا آنکه راه‌حلهای دیگری دارد گفتنی است که تحریف از دیدگاه عالمان شیعه اصولاً پذیرفته نیست.

۷. ما تاکنون به ۱۰۲ روایت از مجموعه روایات حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) دست یافته ایم که با حذف تکراریها و تقطیع شده‌ها ۹۹ روایت در مسند منتشر شده از کنگره آمده است و دو روایت دیگر از مسند لبنانی و یک

روایت دیگر از مسند عطاردی باید به آن اضافه شود که مجموع آن ۱۰۲ روایت می‌شود. هم اکنون سؤال ما این است که آیا کسی به بیش از این مجموعه دست یافته است؟

برای ما روایات دیگر حضرت عبدالعظیم را با مدرک بنویسید گفتنی است که اگر از مجامع غیر روایی و یا حتی روایت غیر معتبر هم باشد، باز برای ما ارزشمند است. به منظور تکمیل مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، دستیابی به روایات دیگر ایشان بسیار مهم است. «کاوشهای حدیثی» را در این جهت یاری دهید.

شما می‌توانید ما را با ارسال نامه از هدایت‌های خویش بهره‌مند سازید و نیز می‌توانید با ما تماس بگیرید و یا شماره تماس خود را به ما بدهید تا ما با شما تماس بگیریم و در صورت لزوم، به صورت حضوری ملاقاتتان کنیم. امید است با «کاوشهای حدیثی» همکاری کنید!

«کاوشهای حدیثی» نیز آماده است تا هرگونه ابهام و اشکال در مجموعه‌های روایی شیعه را - که از سوی شما به دست ما می‌رسد - مطرح سازد.